

بررسی فرهنگ شهروندی ساکنان بافت حاشیه‌ای شهر اصفهان

سید علی هاشمیان فر^۱، شهرزاد عجمی^۲

چکیده

هدف از این پژوهش بررسی فرهنگ شهروندی ساکنان بافت حاشیه‌ای شهر اصفهان است. روش تحقیق در این پژوهش کمی و از نوع پیمایشی بوده و از ابزار پرسشنامه برای گردآوری اطلاعات استفاده شده است. جامعه آماری پژوهش شامل ساکنان بافت حاشیه‌ای شهر اصفهان بوده و نمونه آماری این تحقیق ۴۰۰ نفرند که به روش نمونه‌گیری سهمیه‌ای انتخاب شده‌اند. چارچوب مفهومی این پژوهش را نظریه‌های اجتماعی شهروندی و حاشیه‌نشینی شکل داده است. همچنین در این پژوهش ارتباط متغیرهای مستقل مشارکت اجتماعی، آموزش، مسؤولیت‌پذیری، هویت اجتماعی و متغیرهای زمینه‌ای (جنس، وضعیت تاهل، شغل، تحصیلات، مدت اقامت، علت مهاجرت) با متغیر وابسته فرهنگ شهروندی ساکنان حاشیه‌ای مورد آزمون قرار گرفتند که نتایج به‌دست‌آمده از آزمون متغیرهای زمینه‌ای به غیر از (جنس، وضعیت تاهل، مدت اقامت، تحصیلات) نشان می‌دهد که بین متغیر علت مهاجرت و نوع شغل با فرهنگ شهروندی ساکنان بافت حاشیه‌ای رابطه وجود دارد. همچنین نتایج به‌دست‌آمده از آزمون متغیرهای مستقل با متغیر وابسته با توجه به مقادیر P جدول و نسبت‌های بحرانی نشان از معنادار بودن ارتباط متغیرهای مستقل با متغیر وابسته پژوهش بود. نتایج به‌دست‌آمده از مدل‌سازی معادله ساختاری پژوهش نشان می‌دهد که متغیر مشارکت اجتماعی با ضریب تاثیر ۹۹ درصد بیشترین تاثیر را بر فرهنگ شهروندی افراد بافت حاشیه‌ای اصفهان داراست.

واژه‌های کلیدی: فرهنگ شهروندی، حاشیه‌نشینی، مشارکت اجتماعی، مسؤولیت‌پذیری، آموزش، هویت اجتماعی.

seyedalihashemianfar@yahoo.com

۱- استادیار جامعه‌شناسی دانشگاه اصفهان (نویسنده مسؤول)

Sh_aj2004@yahoo.com

۲- کارشناس ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد دهقان

مقدمه

فرهنگ شهروندی به مثابه نوعی فرآیند است که با جوامع مدنی و دولت‌های ملی شکل گرفته و با جدی شدن مسأله جهانی شدن از مهمترین مسائل اجتماعی معاصر است. مفهوم شهروند و شهروندی از مفاهیمی است که تکامل خود را در جوامع و ادوار مختلف طی کرده و این مفهوم حاصل مدنیت و پیشرفت بوده است. فرآیند فرهنگ شهروندی پیامدهای بسپتی برای جامعه انسانی داشته است. در شکل‌گیری فرهنگ شهروندی یک‌دسته از نهادهای اجتماعی چون رسانه‌ها و مطبوعات، احزاب و... با توجه به اهداف کاربریشان در شهرها اثرگذارند. امروزه تعیین میزان نهادینه شدن فرهنگ شهروندی از ضروریات دستیابی به شاخص‌های توسعه است. توسعه و دگرگونی‌های اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی در کشورهای در حال توسعه مانند کشورهای توسعه‌یافته نیازمند تحقق دگرگونی‌های مناسب و بهینه در بستریایی چون جمعیت، شهرنشینی و آموزش و پرورش است. با اصلاحات ارضی در ایران و صنعتی شدن تعدادی از شهرها، شهرنشینی رشد یک‌باره و شدیدی را آغاز نموده و به دنبال آن مسائل و مشکلات اجتماعی در شهرها خود را نمایان کرده اند. این رشد انفجاری شهرنشینی، حاشیه نشینی را به دنبال داشته است و این پدیده در حال رشد، مشکلات اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، امنیتی و زیست محیطی را در اغلب کلان‌شهرهای ایران به وجود آورده است.

بیان مسأله

در جهان امروز، شهروندی یک ضرورت اجتماعی است که به صورت سازه‌ای (ناشی از بسترهای اجتماعی و فرهنگی جامعه) همراه با تنوع فرهنگ‌ها، معانی مختلفی را در جامعه شکل می‌دهد. فرهنگ شهروندی مقوله‌ای فرهنگی بوده و به مجموعه رفتارهای یک جامعه مربوط است. فرهنگ شهروندی مجموعه‌ای از قوانین و مقررات به اضافه توانمندی‌های اکتسابی تک تک افراد جامعه است. فرهنگ شهروندی زمینه‌های لازم برای رشد افراد جامعه را ایجاد می‌کند و تصحیح رفتارهای باهنجار اجتماعی و تعیین جایگاه

افراد یک جامعه را به عهده دارد. ارتقای سطح فرهنگ شهروندی در یک معنا، بهبود قوانین و مقررات فرهنگی و اجتماعی، ارائه آموزش‌های لازم به مردم برای آگاهی از حقوق اجتماعی خود، دیگران و تعیین معیارهایی برای رفتار صحیح افراد جامعه است.

به عبارت دیگر فرهنگ شهروندی به معنی اصول حاکم بر رفتار شهروند است. همچنین فرهنگ شهروندی مجموعه‌ای از ارزش‌ها، نگرش‌ها و قوانین مشترک بنیادی است که در بردارنده احساس تعلق، تعهد و احترام به میراث مشترک و همچنین تشخیص حقوق و تعهدات شهروندی است (فاطمی نیا، ۱۳۸۶: ۳۹).

از آنجا که جوامع بشری در حال تغییر و تحول هستند برای دستیابی به توسعه پایدار، اجرای برنامه‌های ارتقای فرهنگی مردم شهرنشین به ضرورتی غیرقابل انکار تبدیل شده است. زمانی که فرد خود را به عنوان شهروند یک شهر تلقی می‌کند، ناخودآگاه نسبت به جنبه‌های مختلف احساس مسئولیت کرده است، بنابراین مشارکت و فعالیت اجتماعی شهروندان، برای حضور در عرصه‌های مختلف جامعه است.

از آنجا که شهرنشینی در ایران با روندی سریع و شتابان همراه بوده است، این رشد شتابان شهرنشینی و ظهور کلان‌شهرها، عواقب و پیامدها و آسیب‌های شهری متفاوتی را نیز به همراه داشته است که یکی از پیامدهای آن، پدیده حاشیه نشینی است. منظور از حاشیه‌نشین‌ها کسانی هستند که در محدوده اقتصادی شهر زندگی می‌کنند و جذب نظام اجتماعی و اقتصادی شهر نشده‌اند و خود شیوه جدیدی از زندگی را به وجود آورده‌اند که نسبت به سه شیوه رایج زندگی یعنی شهری، روستایی و ایلاتی متفاوت بوده و با ویژگی‌های اجتماعی و اقتصادی مخصوص به خود، بافت فیزیکی معینی را به وجود می‌آورد.

با توجه به ساخت تاریخی و اجتماعی و عقب ماندگی ایران در فرایند توسعه، پدیده‌ای به نام فرهنگ شهروندی، حقوق و تکالیف شهروندان از منظر تاریخی در تعارض با بسیاری از مؤلفه‌های اجتماعی و فرهنگی زندگی حاشیه نشینان قرار دارد که کالبدشکافی این مسأله در تعامل با ساختار اجتماعی ضرورتی حیاتی و انکار ناپذیر است. از آنجا که

تاریخ حاشیه نشینی همزمان با نهضت صنایع نساجی در اصفهان از اواسط دوره پهلوی اول آغاز می‌شود و بعد از پایه‌گذاری صنعت ذوب آهن در سال ۱۳۴۶ حاشیه‌نشینی افزایش پیدا کرده است؛ از طرف دیگر به علت اهمیت و ارزش تاریخی و فرهنگی شهر اصفهان لازم است تا با شناختی عمیق‌تر به این موضوع پرداخته شود و عوامل مختلفی بر افزایش یا کاهش فرهنگ شهروندی مؤثر است، در این تحقیق بحث آموزش، مشارکت، مسؤلیت و هویت اجتماعی افراد ساکنان حاشیه مورد توجه و بررسی قرار می‌گیرد.

تحقیقات انجام شده

شاه طالبی و همکاران در مقاله تدوین فرهنگ شهروندی در حیطه ارزش‌ها و هنجارهای دانش آموزان دوران راهنمایی به این نتیجه رسید که بعد ارزش‌ها دارای هفده مؤلفه است که عبارتست از شناخت خودی، همدلی، مسؤلیت‌پذیری و... از این میان ترجیح مصالح جمعی بر فردی با بار عاملی ۰/۷۷ بیشترین ضریب و مؤلفه حفظ محیط زیست با بار عاملی ۰/۴ کمترین مقدار را به حد اختصاص داده است. در بعد هنجاره بیشترین بار عاملی مرتبط به مولفه‌های قدرت حل تعارض در مواجهه با دیگران و توانای اظهار نظر در میان جمع با بار عاملی ۰/۷۲ و کمترین بار عاملی مربوط به مؤلفه مسؤلیت‌پذیری با بار عاملی ۰/۳۱ بوده است. (شاه طالبی و همکاران، ۱۳۸۸)

فاطمی نیا در مقاله‌ای با عنوان فرهنگ شهروندی محصول و محمل-حاکمیت خوب، سازمان کارا و شهروند فعال به این نتیجه رسید که شهروندی و فرهنگ شهروندی محصول و محمل تعهد و مسؤول بودن عناصر مختلف جامعه است و برای تحقق آن نیازمند یک حرکت دو سویه هستیم، یکی از بالا به پایین، که همان فرصت‌دهی و مشارکت‌جویی ساختار کلان است و دیگری حرکت از پایین به بالا که همان مشارکت و فعالیت اجتماعی شهروندان برای حضور در عرصه‌های مختلف جامعه، به ویژه عرصه عمومی است. نقش شهروندان و انجام تعهدات شهروندی در توسعه فرهنگ شهروندی بسیار حائز اهمیت

است، زیرا که شهروندان عناصر شناور و پویای جامعه محسوب می‌شوند و در عرصه‌های مختلف جامعه حضور دارند (فاطمی نیا، ۱۳۸۶).

پژوهش آنتونی (۲۰۰۳) با عنوان "آیا آموزش یک حق اساسی است که نیاز به حفاظت قانون اساسی فدرال دارد" هدف این پژوهش، آزمون منابع بی‌عدالتی آموزشی بوده است و این که آیا اصلاح قانون اساسی و واگذاری نقش بیشتر فدرالی به طور مثبت روی کیفیت آموزشی فراهم شده تاثیر می‌گذارند یا نه؟ با توجه به نتایج پژوهش معیارهایی از حقوق پایه و چگونگی بر آورده شدن آن معیارها توسط آموزش به اثبات می‌رسند یک بحث مهم در مورد فدرالیسم و تجزیه و تحلیل اعمال ایلات در هنگام رجوع به حفظ مؤسسات آموزشی شامل می‌شود تا نیاز به نقش فدرال را تعدیل کنند. یک اقدام اصلاحی، پیشنهادی برای حمایت از آموزش امکا نپذیری سیاسی و خط مشی آن در این تحقیق است. آموزش یکی از حقوق اساسی شهروندان جوامع کنونی است و نابرابری فرصت‌های آموزشی از جمله مسائلی است که در دهه‌های هفتاد و هشتاد قرن بیستم توجه صاحب‌نظران را به خود جلب نمود. بر این اساس وجود قوانین مختلف می‌تواند موجبات شرایط آموزشی برابر شهروندان را فراهم نماید، موضوعی که هدف پژوهش بوده است. اصطلاحات آموزشی نقش فدرالی، قانون و توجه به معیارهای حقوقی از عواملی هستند که بنابر نتایج پژوهش اخیر در برابری آموزشی و تبیین آن به عنوان حقی اساسی از حقوق شهروندان مورد توجه قرار گرفته است (آنتونی، ۲۰۰۳).

سرجیوپنا (۲۰۰۳) در تحقیقی با عنوان «توسعه‌های اخیر در حاشیه شهری بخش شمالی مکزیکو» به بررسی حاشیه نشینی پرداخته و به این نتیجه رسیده است که حاشیه شمالی مکزیکو در دو دهه اخیر تغییرات اقتصادی مهمی را به مانند رشد انفجاری جمعیت طی کرده است. این طرح بر این امر تاکید دارد که برخلاف شاخص‌های اقتصادی تأثیر گذار در شهرهای حاشیه‌ای، حاشیه نشینی شهری درمکزیکو هنوز تداوم دارد و حاشیه نشینی شهری در این جا براساس دستیابی به خدمات اساسی نظیر آب، فاضلاب، برق تعریف شده است. بحث از ورشکستگی‌های بازار و دولت معرف ارزیابی ازدامنه یا درجه حاشیه نشینی

است که می‌توان به یکی از آن دو نسبت داد. نتایج عمده این طرح گرچه پیشرفت‌های کیفی در ارائه و دستیابی و توزیع خدمات نشان می‌دهد، اما هنوز حاشیه نشینی در بین گروه‌های کم درآمد تداوم دارد. نتیجه‌گیری کلیدی در این طرح بیانگر آنست که نیاز به تقویت و توسعه نهادهای برنامه ریزی است که به دولت‌های ابزاری جهت هدایت رشد شهری ارائه می‌دهند، نظیر تاکید بر قدرت غالب و برجسته در بهبود بازارهای زمین و قابلیت دستیابی مردم فقیر به مسکن رسمی. (به نقل از مجموعه مقالات کنفرانس برنامه ریزی، نیمروزی، ۱۳۸۵)

چارچوب نظری

جامعه‌شناسان، چشم اندازه‌های گوناگونی از شهروندی را مورد توجه قرار داده‌اند، جامعه‌شناسان کلاسیک مخصوصاً وبر، دورکیم و تونیس قابل معتقدند که هویت، عضویت و تعهد عقلانی، عرفی و مدنی جدید برای اعضای جامعه در قالب پدیده شهروندی هستند که به مشارکت سیاسی - اجتماعی، فرهنگی و دموکراتیک منجر می‌شود. پارسونز نیز در قالب مفهوم شهروندی اجتماعی با قرار دادن متغیرهای الگویی و نیز جامعه مبتنی بر قرارداد عرفی و مدنی، تصویری از شهروندی را عرضه می‌کند.

الگوی نظری که ملهم از نظریه نظام جامعه‌ای پارسونز است: چگونگی ارتباط و پیوند دو سویه میان نظام جامعه‌ای، حقوق و وظایف آمده است. بنابراین در یک جمع‌بندی می‌توان گفت که حقوق وظایف عناصر اصلی تشکیل دهنده شهروندی هستند. این حقوق و وظایف در ابعاد مدنی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی قابل شناسایی هستند. مدل ترنر نهادهای شهروندی، هویت اجتماعی، ماهیت نابرابر و دسترسی به منابع اقتصادی - اجتماعی را در بر می‌گیرد. وقتی حقوق قانونی و تعهد به عنوان موقعیت رسمی، نهادینه می‌شود، استحقاق رسمی برای منابع کمیاب در جامعه را به مردم اعطا می‌کند. از نظر ترنر وقتی افرادی شهروند یک کشور می‌شوند، نه فقط ملزم به رعایت یک سلسله حقوق و الزامات و تعهدات اجتماعی شده‌اند و هویت خاصی را پذیرفته‌اند و به نوعی در شهر

خوب و متعالی جامعه‌پذیر شده‌اند، بلکه به جماعت سیاسی خاصی وارد شده‌اند که دارای قلمرو جغرافیای تاریخی و سیاسی مشخصی است.

در نظریه‌های دموکراسی مشارکتی به توسعه و گسترش حقوق بویژه توسعه حقوق فردی و سازمانی توجه می‌کند که به افراد مورد تبعیض واقع شده مثل گروه‌های جنسیتی، قومی و مانند آن اختصاص دارد. تأکید این نظریه بر تعادل حقوق و وظایف گروهی و فردی هم در روابط تعاونی و هم در روابط رقابتی است و پیامدش هویت فردی است که منافع فردی را از راه مشارکت در فعالیت‌های اجتماع به هم پیوند می‌دهد. در نظریه شهروندی و جامعه اشاره بیان‌کننده این مفهوم است که شهروندی به سه شکل با جامعه در ارتباط است: الف) جامعه سیاسی ب) جامعه مدنی ج) حوزه عمومی.

در الگوی نظری که یانوشکی آن را ارائه داده است، متغیرهای اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، حقوقی و فرهنگی مؤثر بر توسعه تاریخی شهروندی در غرب و نحوه تأثیرگذاری این متغیرها بر یکدیگر را بیان کرده است. در الگوی نظری کار و هارتنت ارتباط میان نظام سیاسی دموکراسی و شهروندی را بیان کرده است که وجود نظام دموکراتیک پیش شرط اصلی تحقق شهروندی است.

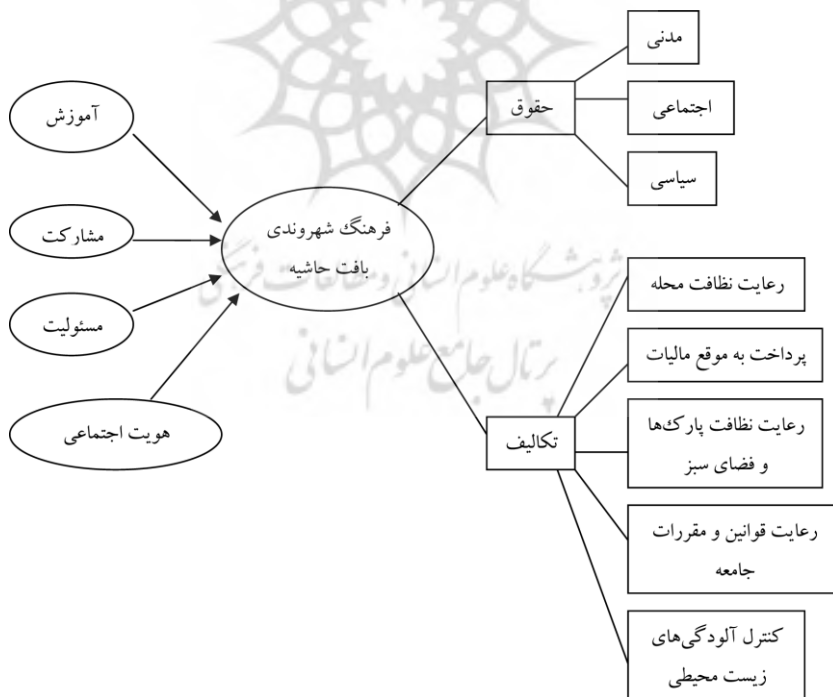
در الگوی نظری که مربوط به هابرماس نظریه‌پرداز اجتماعی بزرگ معاصر است. نقش اجتماعی شهروندی در ارتباط با حوزه عمومی و جامعه مدنی ترسیم شده است.

در نظریه پوپر بر هویت مدنی در قالب مفهوم فرهنگ شهروندی تکیه شده است، وی اشاره کرده است که مدیریت شهری باید برای تحکیم و بسط فرهنگ شهروندی در کنار حوزه‌های آموزشی‌ای چون خانواده و آموزش و پرورش، فضاها و فضاهای اجتماعی فرهنگی دیگری را در جای جای شهر به وجود آورد که کارکرد اصلی این فضاها در زمینه توسعه و آموزش فرهنگ شهروندی و شهرنشینی باشد. نظریه جمهوری‌خواهی مدنی بر هویت اجتماعی و تکالیف شهروندی تأکید دارد.

در بخش حاشیه‌نشینی نظریه‌های مختلفی مطرح شده است که دیدگاه بوم‌شناسی یکی از نظریات مطرح شده در این بخش است. این نظریه تلاش دارد با توجه به بافت فیزیکی

شهر به توجیه مکانیزم پیدایی حاشیه‌نشینی پردازد و عواملی از جمله تغییر در نحوه استفاده از زمین و کمبود مسکن را یکی از دلایل مهم در پیدایش حاشیه‌نشینی می‌داند. صاحب‌نظران دیدگاه لیبرالی تضادهای ناشی از رشد نامتعادل اقتصادی را یکی از دلایل مهم این امر دانسته و دیدگاه رادیکال نیز تشکیل مناطق حاشیه‌نشین در شهرهای جهان سوم را معلول مناسبات و روابط بین‌المللی و قدرت‌های مسلط جهانی از یک سو و ویژگی‌های ملی از سوی دیگر می‌داند. در نظریه انسان حاشیه‌نشین، رابرت پارک انسان حاشیه‌نشین را شخصیتی می‌داند که نسبت به نظام فرهنگی موجود وابستگی و تعلق دارد. در نظریه جذب و دفع، اورت لی معتقد است که عوامل جاذبه باعث می‌شود که فرد محل سکونت را رها کرده و به سمت خاصی مهاجرت کند.

مدل پژوهش



فرضیه های تحقیق در این پژوهش عبارتند از:

- ۱- به نظر می رسد بین آموزش و فرهنگ شهروندی ساکنان بافت حاشیه رابطه‌ای وجود دارد.
- ۲- به نظر می رسد بین مشارکت و فرهنگ شهروندی ساکنان بافت حاشیه رابطه‌ای وجود دارد.
- ۳- به نظر می رسد بین مسئولیت‌پذیری و فرهنگ شهروندی ساکنان بافت حاشیه رابطه‌ای وجود دارد.
- ۴- به نظر می رسد بین هویت اجتماعی و فرهنگ شهروندی ساکنان بافت حاشیه رابطه‌ای وجود دارد.
- ۵- به نظر می رسد بین متغیرهای زمینه ای (جنسیت، وضعیت تاهل و.....) و فرهنگ شهروندی ساکنان بافت حاشیه رابطه‌ای وجود دارد.

روش تحقیق

روش تحقیق در این پژوهش پیمایشی است. جامعه آماری در این پژوهش شامل کلیه شهروندان ۳۰ تا ۶۴ بافت حاشیه شهر اصفهان است که مطابق آخرین آمار و اطلاعات تعداد سرشماری سال ۱۳۸۵ برابر با ۴۸۲۱۵ نفر بوده است. توزیع جمعیت حاشیه‌نشین در جدول مشخص شده است.

منطقه	نام محله	جمعیت ۳۰ - ۶۴
۲	بابوکان	۱۹۶۱
	ولدان	۳۲۰۵
۶	همت آباد	۶۹۷۴
۸	مارچین	۸۲۸۳
۱۱	لیم جیر	۳۶۵۱
۱۴	سودان	۵۶۵۵

۷۷۴۷	عمان سامانی
۶۱۹۳	ارزنان
۲۹۵۴	دارک
۱۵۹۲	حصه

در این پژوهش برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از آمار استنباطی تحلیل توصیفی استفاده شده است که در تحلیل توصیفی با استفاده از جدول فراوانی محاسبه میانگین به توصیف داده‌ها پرداخته شد و در بخش آمار استنباطی با استفاده از نرم‌افزارهای Spss و Amos Graphic داده‌های گردآوری شده مورد تجزیه و تحلیل و پردازش قرار گرفته است. همچنین در فرایند تحقیق از روش‌های آماری ضریب همبستگی و کرامر و مدلسازی معادله ساختاری بهره گرفته شده است.

در این تحقیق برای برآورد روایی از مدل‌های تحلیلی عاملی تاییدی و برای سنجش پایایی از آلفای کرونباخ استفاده شده است که خروجی آلفای کرونباخ برای تمامی متغیرها بالای ۷۰ است و تمامی متغیرها از پایایی قابل قبولی برخوردارند.

ضرایب آلفای کرونباخ متغیرهای مختلف تحقیق

ردیف	نام متغیر	تعداد گویه	آلفای کرونباخ
۱	فرهنگ شهروندی	۱۸	۰/۷۸
۲	مشارکت	۷	۰/۸۰
۳	قانونمندی	۸	۰/۸۳
۴	مسئولیت پذیری	۶	۰/۷۴
۵	هویت اجتماعی	۹	۰/۷۲
۶	آموزش	۸	۰/۶۹

یافته‌های تحقیق

یافته‌های توصیفی: یافته‌های توصیفی تحقیق نشان می‌دهد که از تعداد کل پاسخگویان ۴۰۰ نفر بوده‌اند، ۲۰۴ نفر (۰/۵۱) مرد و ۱۹۶ نفر (۰/۴۹) زن بوده‌اند و پایین‌ترین سن پاسخگویان ۴۰ تا ۳۰ سال بیشترین فراوانی (۷۳۰) و بالاترین سن ۶۰ سال به بالا کمترین فراوانی (۵۰) را به خود اختصاص داده است. همچنین از ۴۰۰ نفر پاسخگو، ۲۸۷ نفر متأهل (۷۱/۸ درصد) و ۱۰۹ نفر (۲۷/۳) درصد مجرد بوده‌اند. بیشترین فراوانی تحصیلی پاسخگویان مربوط به مقطع دیپلم یعنی ۱۶۶ نفر (۴۱/۵ درصد) است و کمترین میزان مربوط به مقطع فوق لیسانس و دکتری ۲ نفر (۰/۵ درصد) بوده است. همچنین نتایج به دست آمده از وضعیت اشتغال پاسخگویان نشان می‌دهد که بیشترین دارای شغل آزاد با (۵۱/۳) درصد و کمترین میزان هم مربوط به کارمند بخش خصوصی با میزان ۱۲/۸ درصد است. نتایج به دست آمده از وضعیت درآمد پاسخگویان نشان می‌دهد که بیشترین فراوانی بین ۳۰۰ تا ۵۰۰ هزار تومان (۳۷ درصد) و کمترین فراوانی ۷۰۰ هزار تومان به بالا است. همچنین علت مهاجرت ساکنان به بافت حاشیه، زمین و مسکن ارزان قیمت با بیشترین فراوانی ۱۲۱ (۳۰/۳ درصد) و کمترین میزان علت مهاجرت تحصیلات ۵ (۱/۳ درصد) است. اطلاعات مربوط به وضعیت مدت اقامت نشان می‌دهد که بیشترین فراوانی در شهر اصفهان ۳۱ تا ۴۵ سال بوده است.

یافته‌های استنباطی

در این قسمت از تحقیق برای آزمون متغیرها و فرضیه‌های تحقیق، تحلیل‌های دو متغیره تحقیق صورت خواهد گرفت و با استفاده از تکنیک‌های آمار استنباطی مثل ضریب همبستگی پیرسون (Pearson) و تحلیل رگرسیون به بررسی رابطه بین متغیرهای مستقل و وابسته و بررسی فرضیه‌های تحقیق خواهیم پرداخت.

آزمون فرضیه‌های تحقیق

همانگونه که بیان شد رابطه بین فرهنگ شهروندی ساکنان بافت حاشیه و متغیرهای تاثیرگذار در قالب فرضیه‌های تحقیق مطرح گردید که در ادامه به بررسی آنها می پردازیم. نتایج ضریب همبستگی متغیرهای مستقل با متغیر وابسته

ضریب همبستگی (r)	سطح معناداری (Sig)	متغیرهای مستقل	فرهنگ شهروندی
۰/۵۸۴	۰/۰۰۰	آموزش	
۰/۴۰۲	۰/۰۰۰	مشارکت	
۰/۳۹۷	۰/۰۰۰	مسئولیت پذیری	
۰/۴۲۴	۰/۰۰۰	هویت اجتماعی	

همانگونه که در جدول ضرایب همبستگی مشاهده می شود به نظر می رسد بین آموزش و فرهنگ شهروندی ساکنان بافت حاشیه رابطه‌ای وجود دارد. برای آزمون این فرضیه از ضریب همبستگی پیرسون استفاده کردیم. با توجه به نتایج آزمون ضریب همبستگی پیرسون ($r=0/58$) و سطح معناداری کمتر از ۵ درصد ($sig=0/000$) می توان گفت رابطه مستقیم و معناداری بین آموزش و فرهنگ شهروندی ساکنان بافت حاشیه وجود دارد یعنی هرچه میزان آموزش پذیری ساکنان بیشتر باشد، می تواند به ارتقای فرهنگ شهروندی آنها منجر شود. همچنین به نظر می رسد بین میزان مشارکت و فرهنگ شهروندی ساکنان بافت حاشیه رابطه‌ای وجود دارد. برای آزمون این فرضیه نیز از ضریب همبستگی پیرسون استفاده کردیم. با توجه به نتایج آزمون ضریب همبستگی پیرسون ($r=0/402$) و سطح معناداری کمتر از ۵ درصد ($sig=0/000$)، می توان گفت رابطه مستقیم و معناداری بین مشارکت و فرهنگ شهروندی ساکنان بافت حاشیه وجود دارد، یعنی هرچه میزان مشارکت ساکنان بافت حاشیه در امور اجتماعی و شهری بیشتر باشد، فرهنگ شهروندی آنان بالاتر است. به عبارت دیگر سهم کردن ساکنان بافت حاشیه در مسائل جامعه به ارتقای فرهنگ شهروندی آنها کمک بسیاری می کند.

داده های جدول نیز بیانگر آن است که بین مسؤولیت پذیری و فرهنگ شهروندی ساکنان بافت حاشیه رابطه‌ای وجود دارد. برای آزمون این فرضیه از ضریب همبستگی پیرسون استفاده کردیم. با توجه به مقدار ضریب همبستگی ($r=0/39$) و سطح معناداری کمتر از ۵ درصد ($sig=0/000$)، می‌توان نتیجه گرفت که رابطه مستقیم و معناداری بین مسؤولیت‌پذیری افراد و فرهنگ شهروندی ساکنان بافت حاشیه وجود دارد. یعنی هرچه میزان مسؤولیت‌پذیری ساکنان بافت حاشیه شهر اصفهان بیشتر باشد، میزان فرهنگ شهروندی از رشد قابل ملاحظه‌ای برخوردار است.

همچنین بین هویت اجتماعی افراد و فرهنگ شهروندی ساکنان بافت حاشیه رابطه‌ای وجود دارد. برای آزمون این فرضیه از ضریب همبستگی پیرسون استفاده کردیم. با توجه به مقدار مثبت ضریب همبستگی ($r=0/42$) و سطح معناداری کمتر از ۵ درصد ($sig=0/000$)، می‌توان نتیجه گرفت که رابطه مستقیم و معناداری بین هویت اجتماعی افراد و فرهنگ شهروندی ساکنان بافت حاشیه وجود دارد؛ یعنی هرچه افراد دارای هویت اجتماعی بالاتری باشند، میزان فرهنگ شهروندی ساکنان بافت حاشیه بالاتر است.

در جدول زیر به بررسی رابطه بین متغیرهای دیگر و فرهنگ شهروندی ساکنان بافت حاشیه پرداخته شده است.

نتایج رابطه آماری متغیرهای زمینه‌ای با فرهنگ شهروندی

متغیرهای زمینه‌ای تحقیق	سطح معناداری	فرهنگ شهروندی
جنسیت	۰/۱۲۷	
سطح تحصیلات	۰/۳۱۶	
وضعیت تاهل	۰/۱۹۶	
نوع شغل	۰/۰۱۲	
علت مهاجرت	۰/۰۱۹	
مدت اقامت	۰/۳۹۱	

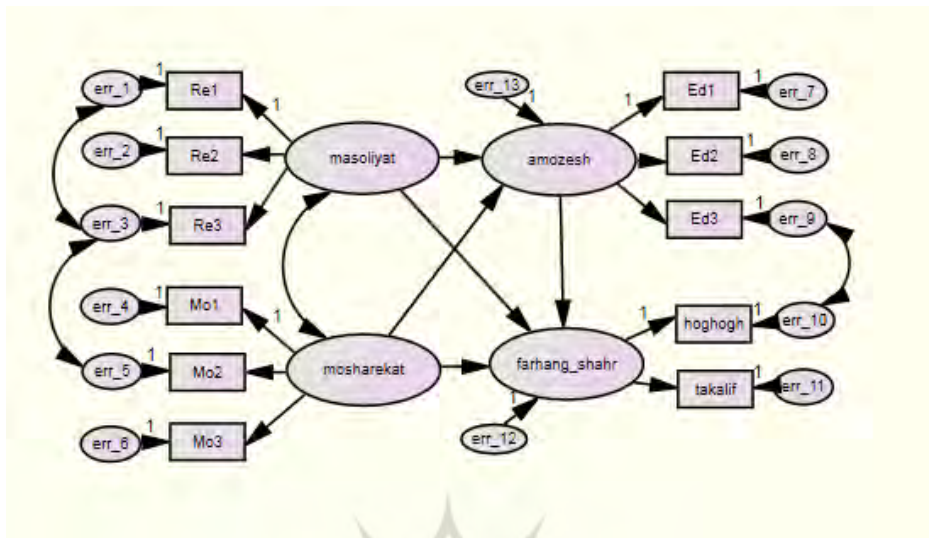
نتایج به دست آمده از آزمون متغیرها در جدول بالا نشان می دهد که بین جنسیت و فرهنگ شهروندی ساکنان بافت حاشیه، رابطه معناداری ($Sig= 0/127$) وجود ندارد. با توجه به نتایج به دست آمده از آزمون ضریب گاما و مقدار $Sig= 0/316$ ، رابطه معناداری بین دو متغیر سطح تحصیلات و فرهنگ شهروندی نیز وجود ندارد. همچنین با توجه به نتایج به دست آمده از ضریب کرامر و مقدار $Sig= 0/196$ ، بین وضعیت تأهل و فرهنگ شهروندی ساکنان بافت حاشیه شهر اصفهان رابطه معناداری وجود ندارد.

نتایج به دست آمده از ضریب کرامر و مقدار $Sig= 0/012$ ، گویای رابطه معناداری بین دو متغیر نوع شغل و فرهنگ شهروندی است. علت مهاجرت به مناطق حاشیه نشین نیز با توجه به نتایج به دست آمده از ضریب کرامر و مقدار

$Sig= 0/019$ ، تاثیر معناداری بر فرهنگ شهروندی ساکنان بافت حاشیه داشته است. در نهایت با توجه به نتایج به دست آمده از آزمون ضریب کرامر و مقدار $Sig= 0/391$ ، بین مدت اقامت و فرهنگ شهروندی ساکنان بافت حاشیه رابطه معناداری وجود ندارد.

مدل معادله ساختاری

به منظور تعیین شدت و تاثیر متغیرهای مستقل بر میزان فرهنگ شهروندی ساکنان نواحی حاشیه نشین در وضعیت های مختلف از یک مدل معادله ساختاری بهره گرفته شده است که این مدل معادله ساختاری از دو نوع مدل و انواعی از متغیرها تشکیل شده است. دو نوع مدل تشکیل دهنده مدل معادله ساختاری عبارتند از: ۱- مدل اندازه گیری ۲- مدل ساختاری. یک مدل اندازه گیری جزئی از مدل ساختاری است که نحوه سنجش یک متغیر پنهان را با استفاده از دو یا تعداد بیشتری متغیر مشاهده شده تعریف می کند. همچنین می توان گفت در مدل اندازه گیری مشخص می شود که تعداد متغیرهای مشاهده شده برای یک متغیر پنهان تا چه حد تحت تاثیر متغیر پنهان مورد نظر و متغیر خطا هستند.

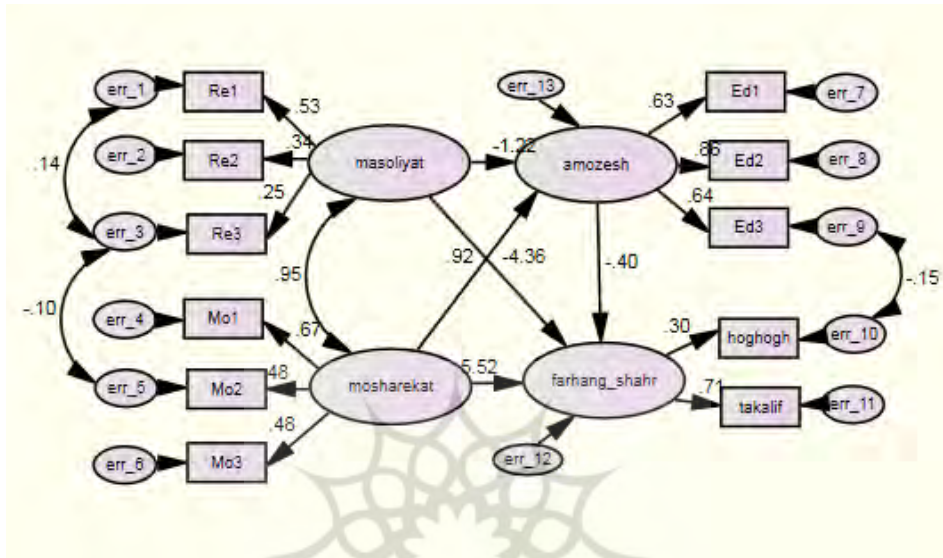


در این مدل، ۱۱ متغیر مشاهده شده وجود دارد که متغیرهای مشاهده شده *Mo1* تا *Mo3*، معرف‌های متغیر پنهان مشارکت اجتماعی و متغیرهای مشاهده شده *Re1* تا *Re3* معرف‌های متغیر پنهان مسئولیت‌پذیری و متغیرهای مشاهده شده *Ed1* تا *Ed3*، معرف‌های متغیر پنهان آموزش هستند. متغیرهای خطای *err1, ..., err9*، نماد خطای اندازه‌گیری ۹ متغیر مشاهده شده برای متغیرهای مستقل مشارکت اجتماعی، مسئولیت‌پذیری و آموزش هستند. همچنین متغیرهای مشاهده شده حقوق و تکلیف معرف‌های متغیر پنهان فرهنگ شهروندی که متغیر وابسته نهایی است هستند. متغیرهای *err10* و *err11* نمادهای خطای اندازه‌گیری متغیرهای مشاهده شده حقوق و تکالیف هستند. رابطه متغیرهای مستقل مشارکت، مسئولیت‌پذیری و آموزش با فرهنگ شهروندی یک‌سویه است.

جدول شماره (۵): جدول متغیرهای موجود در مدل معادله ساختاری

نام متغیر	تعداد شاخص‌ها	نماد ترسیمی
مشارکت اجتماعی	۳	<i>Mo1, Mo2, Mo3</i>
مسئولیت‌پذیری	۳	<i>Re1, Re 2, Re 3</i>
آموزش	۳	<i>Ed1, Ed2, Ed3</i>
فرهنگ شهروندی	۲	حقوق، تکلیف

معادله ساختاری برای تبیین فرهنگ شهروندی بافت حاشیه‌نشین شهر اصفهان با خروجی و ضرایب استاندارد



در مدل بالا با توجه به جهت پیکانها از سمت متغیر پنهان به سمت متغیر مشاهده شده که معرف آن متغیر پنهان است، بیانگر این نکته روش شناختی است که نمره هر پاسخگو در متغیر مشاهده شده، تحت تأثیر وضعیتی است که آن پاسخگو در متغیر پنهان زیربنایی مرتبط با متغیر مشاهده شده دارد. برای مثال در این مدل، متغیرهای پنهان ما شامل: مشارکت اجتماعی، مسئولیت‌پذیری، هویت اجتماعی و آموزش هستند که هرکدام با سه دسته از متغیرهای پنهان (Mo)؛ (Re)؛ (Id) و (Ed) در مدل مشخص شده‌اند.

حال پاسخگویی به متغیر مشاهده شده (Mo)، (Re)، (Id) و (Ed) تعیین خواهد کرد که متغیرهای مشارکت اجتماعی، مسئولیت‌پذیری، هویت اجتماعی و آموزش افراد در چه موقعیتی قرار دارد. به عبارت دیگر، وزنی که Mo1 تا Mo3 در مدل پژوهش دارند، تعیین‌کننده میزان مشارکت ساکنان بافت حاشیه‌نشین است. حال در متغیر پنهان ما؛ یعنی مشارکت، اثر Mo1 با ضریب تأثیر ۰/۷۵ نشان می‌دهد که متغیر مشارکت اجتماعی بیشترین

توان تحلیل Mo1 یا (شاخص‌های دسته اول مشارکت اجتماعی) را با بالاترین ضریب دارد. همچنین در این مدل مقدار ضرایب تأثیر بین متغیرهای پنهان پژوهش به صورت استاندارد محاسبه شده است که بیشترین ضریب تأثیر بین مشارکت اجتماعی و فرهنگ شهروندی به میزان ۰/۹۹ مشاهده شد و کمترین ضریب تأثیر را هویت اجتماعی با فرهنگ شهروندی به میزان ۰/۰۴ دارد.

در کل مجموعه برآوردهای استاندارد برای وزن‌های رگرسیونی شامل بارهای عاملی و ضرایب تأثیر در این مدل مشاهده می‌شود و برآورد انجام شده برای ضرایب تأثیر نشان می‌دهد که اثر شاخص‌های مشارکت اجتماعی، آموزش، مسؤولیت پذیری و هویت اجتماعی بر فرهنگ شهروندی معنادار است. البته مثبت بودن ضرایب تأثیر متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته نشان از تأیید مدل دارد و در کل مثبت بودن تمامی ضرایب همبستگی در مدل، نتیجه‌ای منطقی و قابل قبول است.

برازش مدل

برای بررسی برازش مدل از شاخص‌های برازش استفاده می‌شود. شاخص‌های برازش مقادیری آماری‌ای را به دست می‌آورند که محقق را در تصمیم‌گیری نسبت به تشخیص یا انتخاب مدل مناسب‌تر، یاری می‌کنند. همچنین شاخص‌های برازش گویای این واقعیت است که داده‌های پژوهش از شاخص‌ها و متغیرهای تحقیق حمایت می‌کنند. شاخص‌های برازش زیادی وجود دارند، اما پرکاربردترین آنها که در عین حال، پایه و اساس دیگر شاخص‌ها محسوب می‌شود χ^2 است. هرچه مقدار مجذور کای به صفر نزدیک‌تر باشد، نشان دهنده برازش بهتر مدل است. از آنجا که مقدار مجذور کای تحت تاثیر حجم نمونه و تعداد روابط مدل قرار می‌گیرد و مقدار آن بزرگ می‌شود، بنابراین با اتکا بر مقدار مجذور کای نمی‌توان به نتایج مطلوب دست یافت. در نتیجه در کنار این شاخص، از شاخص‌های دیگری نیز برای برازش مدل‌ها استفاده می‌شود. شاخص دیگری که برای از میان برداشتن این محدودیت مجذور کای معرفی شده، شاخص χ^2/df است که اگر کوچک‌تر از ۳ باشد،

نشانگر برازندگی الگوست. براساس قاعده کلی، شاخص‌های نیکویی برازش (GFI)، نیکویی برازش تعدیل شده (AGFI)، برازندگی تطبیقی (CFI)، نرم شده برازندگی (NFI) و نرم نشده برازندگی (NNFI) برای مدل‌های خوب بین ۰/۹۰ تا ۰/۹۵ تفسیر می‌شوند و مقادیر بالای ۰/۸ نیز نشان دهنده برازش نسبتاً خوب مدل است. همچنین شاخص ریشه خطای میانگین مجذورات تقریب (RMSEA) که لوهین^۱ (۲۰۰۴) برای برازندگی این شاخص، پیشنهاد کرد که در صورتی که کوچک‌تر از ۰/۰۸ باشد، نشانگر برازندگی خوب، ۰/۰۸ تا ۰/۱، نشانگر برازندگی قابل قبول و مقادیر نزدیک‌تر به صفر نشانگر بیشترین برازندگی است. در جدول ۴-۲۲ (جدول نتایج تحلیل عامل مرتبه اول برای ساختار چهار عاملی) نشان داده شده است. نسبت کای اسکویر به درجه آزادی CMIN/DF برای قضاوت درباره مدل و حمایت داده‌ها از شاخص‌های مدل مقدار 6.520 است و مقدار نزدیک به ۱ و بالاتر از آن نشان از برازش خوب مدل است. مقادیر دیگر در جدول زیر به اختصار آمده است.

جدول شماره (۶): شاخص‌های برازندگی مدل

شاخص‌ها	مقدار	شاخص‌ها	مقدار	شاخص‌ها	مقدار
CMIN	۹۴/۷۹	GFI	۰/۹۵	CFI	۰/۹۴
RMSEA	۰/۰۶۵	AGFI	۰/۹۲	NFI	۰/۹۱
CMIN/DF	۲/۷۰	IFI	۰/۹۴	TLI	۰/۹۱

نتیجه‌گیری و پیشنهاد

امروزه شهروندی از مهمترین عناصر فرهنگ عصر جدید به حساب می‌آید؛ در فرهنگ امروز، شهروندی نوعی حق است که فرد برای برخورداری از حقوق از طرف دیگر شهروندان و دولت به رسمیت شناخته می‌شود و نوعی وظیفه است که فرد در برابر دیگران

1. Loehlin

باید در حوزه مسئولیت‌هایی که به او محول شده بتواند به امور جامعه توجه نماید. فرهنگ شهروندی ناشی از پیشرفت و توسعه و بسیط بودن تعاملات افراد با دنیای اجتماعی است و از سوی دیگر، پذیرش الگوهای غنی فرهنگ شهروندی بر شکل‌گیری کلی مفهوم شهروندی اثرگذار است. این الگوی غنی شده ناشی از گسترش تکنولوژی‌های نوین به وجود آمده است، در عصر حاضر این مسئله امری اجباری، ضروری و غیر قابل کنترل است و بعد فراملی به خود گرفته است. تراکم بالای جمعیت در شهرهای بزرگ کشور از جمله شهر اصفهان و وجود فرهنگ‌های گوناگون و رنگ‌باختن برخی از آنها و اختلاط با هویت شهری و گسترش منطقه‌های حاشیه‌نشین و در نتیجه ایجاد فاصله میان قشرهای مختلف در این جوامع بیشتر مواقع باعث سازمان‌شکنی اجتماعی و تغییر ساختار سنتی شهرها شده است. لازمه حل مسائل شهری، بحران‌های شهرنشینی و اصلاح رفتار شهروندان، وجود یک فرهنگ مناسب شهروندی و شهرنشینی است که این مقولات جزو پایه‌های اساسی و شهری هستند و همه اجزای یک زندگی شهری باید با در نظر گرفتن نقش فرهنگ در مناسبات اجتماعی شهر، تأسیسات شهری، نظام حمل و نقل، کالبد شهر و کاربردهای شهری سعی کنند، تعادل لازم را به وجود آورند.

نتایج این پژوهش بر وجود یک رابطه خطی و مستقیم بین آموزش به شهروندان، مشارکت اجتماعی، میزان مسئولیت‌پذیری و هویت اجتماعی با فرهنگ شهروندی حکایت دارد. برداشتی که از مفاهیم در مناطق حاشیه‌نشین می‌شود این مسأله را به وجود می‌آورد که شاخص‌های فرهنگ شهروندی همان فهمی است که پاسخگو از گویه‌های پرسشنامه دارد و برای بقای فرهنگ شهروندی در ایران باید وحدت هدف را برای شهروندان به وجود آورد، این وحدت را باید هم در بعد زندگی مادی و هم معنوی فرهنگ شهروندان ایجاد کرد؛ و به دست آوردن این مسأله در پرتو یک زندگی اجتماعی میسر نیست؛ قانونگذاری در جامعه از این طریق میسر می‌گردد و خارج از این هدف شهروندان جامعه با مشکلات و پیامدهای اجتماعی و فرهنگی که به نابودی جامعه منجر می‌گردد، روبرو

خواهد شد. پس، مسؤلیت‌پذیری، آموزش و مشارکت هویت اجتماعی برای بقای فرهنگ شهروندی لازم و ضروری به نظر می‌رسد.

پیشنهاد‌های پژوهشی

- توانمندسازی همه افراد برای مشارکت اثر بخش در جامعه.
- تربیت شهروندان آگاه، فعال و مسؤول کمک بزرگی به پیشرفت فردی و اجتماعی جامعه می‌کند.
- برگزاری جلسات با حضور مردم و مسؤولان در محیطی که به فرد آرامش و حس خوشایندی القا کند تا تاثیر بیشتری برای مشارکت افراد داشته باشد.
- بالا بردن سطح رفاه و بهداشت محیط زیست در محیط‌های کوچک شهری
- مشورت و نظر خواهی شهروندان در باره امور مختلف اجتماعی از جمله اجرای طرح‌های شهری.
- همکاری رسانه‌ها و وسایل ارتباط جمعی برای آموزش و فرهنگ سازی بویژه اطلاع رسانی درباره ضروریات شرکت داوطلبانه شهروندان در امور مختلف

منابع

- ۱ - تقی زاده، محمد، (۱۳۸۱)، نظریه شهروندی در فرهنگ و تمدن ایران، اطلاعات سیاسی و اقتصادی، شماره ۱۸۴.
- ۲ - توسلی، غلامعباس، نجاتی حسینی، سید محمود، (۱۳۸۳)، واقعیت اجتماعی شهروندی در ایران، مجله جامعه‌شناسی، دوره پنجم، شماره ۲، تابستان.
- ۳ - جهانگیری، رضا، (۱۳۸۱)، شهرنشینی و شهروندی، چکیده مقالات همایش راهکارهای توسعه فرهنگ شهرنشینی، انتشارات مجبان.

- ۴ - شاه طالبی، بدری، قلی زاده، آذر، شریفی، سعید، (۱۳۸۸)، تدوین مؤلفه‌های فرهنگ شهروندی در حیطة ارزش‌ها و هنجارها برای دانش‌آموزان دوره راهنمایی، فصلنامه علمی-پژوهشی رهیافتی نو در مدیریت آموزشی، سال دوم شماره ۵، پاییز ۸۸.
- ۵ - فاطمی نیا، سیاوش، (۱۳۸۶)، فرهنگ شهروندی محصول و محمل حاکمیت خوب، سازمان کارا و شهروند فعال، فصلنامه علمی و پژوهشی رفاه اجتماعی، سال هفتم، شماره ۲۶
- ۶ - نجاتی حسینی، سید محمود، (۱۳۸۰)، بررسی جایگاه مفهوم شهروندی در قانون شهرداری ایران، تهران، انتشارات سازمان شهرداری کشور.
- ۷ - هاشمیان فر، علی، گنجی، محمد، (۱۳۸۸)، تحلیلی بر فرهنگ شهروندی در شهر اصفهان، سال بیستم، (۳۳)، شماره ۱.
- 8- -Att yyyj jssiaal, (3333), ii s cccctt iaa a adddamental right requiring feeeral nnnntt itutiaaa l rr otett .ooo oo omni i iii i rrii ty taacrrr c col.gg.
- 9- -Forsyth, Donnellson, R.(1995), our social world. An international Thomson publishing company.
- 10- -Janoski, Thomas. (1998). Citizenship and Civil Society: A Framework of Rights and Obligations in Liberal, Traditional, and Social Democratic Regimes. New York: Mac Graw Hill.